



عبدالحسین خسروپناه: جلوه‌های عقل / عقلانیت ابزاری فی الجمله با نقل دینی تعارضی ندارد

عبدالحسین خسروپناه با بیان اینکه عقلانیت ابزاری دینی در پی مصالح دنیوی است پس به مصالح کوتاه مدت نیز توجه می‌شود معتقد است: عقلانیت ابزاری فی الجمله با نقل دینی تعارضی ندارد.

عبدالحسین خسروپناه با بیان اینکه عقلانیت ابزاری دینی در پی مصالح دنیوی است پس به مصالح کوتاه مدت نیز توجه می‌شود معتقد است: عقلانیت ابزاری فی الجمله با نقل دینی تعارضی ندارد.

به گزارش خبرنگار مهر، عبدالحسین خسروپناه رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در یادداشت پیش رو به بحث عقلانیت و به ویژه عقلانیت ابزاری دینی و کارکرد های آن می پردازد؛

بنا به گفته حضرت آیت الله جوادی آملی عقل همان گونه که مفتاح است، مصباح و میزان هم هست. پس به این ترتیب عقل در ساحت های متعدد قدرت اظهار نظر دارد که عبارتند از: ۱- عقل مفتاحی: عقل به عنوان کلید برای ورود به یک دین و فهم و پذیرش حقانیت آن دین به کار می آید و همچنین در مقام ترجیح و گزینش یک دین از میان ادیان مختلف نیز این عقل است که قفل های فهم حقیقت دین و دین حقیقی را می گشاید.

۲- عقل مصباحی: عقل به عنوان چراغی در نقل دین و دریافت آموزه های آن به کار می آید. از همین رو خداوند در قرآن کریم امر به تأمل در قرآن نموده است، زیرا اگر عقل را یارای فهم معارف قرآنی و وحیانی نبود، امر به تأمل در آن بی معنا می نمود: «أفلا يتدبرون القرآن أم على قلوب أقفالها؛ محمد: ۲۴» و در نمونه دیگر: «أفلم يدبروا القول أم جاءهم ما لم يات آباءهم الاولين؛ مؤمنون: ۶۸» و در روایتی از سید الساجدین (ع) چنین وارد شده است: «آیات القرآن خزائن العلم فكلما فتحت خزانه ینبغی لك ان تنظر فیها» و یا اینکه در قیامت به قاریان قرآن امر می شود که قرآن بخوانید تا ارتقاء مرتبه پیدا کنید: «عن رسول الله (ص) تعلموا القرآن فانه یاتی یوم القیامة صاحبه ... ثم یقال له: إقرأ و ارق، فكلما قرأ آیه صعد درجه»

۳- عقل میزان: عقل قوه تشخیص قول معصوم از غیر او و میزان حق و باطل است و در بسیاری موارد، عقل معیار سنجش است که این امر فقط اختصاص به کلام ندارد. در محاجه با یک ملحد آنچه که به مدد می آید، عقل میزانی است، چرا که او نقل دینی را قبول ندارد. علاوه بر این عقل میزان، یافته های عقل مفتاحی و عقل مصباحی را سنجش و ارزیابی می کند و یافته های آن دو را با بدیهیات می سنجد و در صورت عدم تطابق با بدیهیات، آن را صادر از معصوم ندانسته و رد می کند. به طور مثال طبق روایتی از پیامبر اعظم (ص) سؤال شد که خداوند چگونه خود را آفرید؟ طبق این نقل، حضرت (ص) فرمود: خداوند ابتدا اسبی را آفرید و دستور داد که بدود. آن اسب آنقدر دوید که عرق کرد، و آنگاه از عرق آن اسب، خود را آفرید. عقل میزان روایت فوق را مردود می داند. به تعبیری عقل هم ابزار است و هم منبع. به دو نگاه اول (عقل مفتاحی و مصباحی) عقل، ابزار است و به نگاه سوم (عقل میزان) عقل منبع فهم است. عقل هم در عرصه هست و نیست (عقل نظری) و هم باید و نباید (عقل عملی) کاربرد دارد.

پس از بیان جلوه های عقل این پرسش را می توان طرح کرد که آیا عقلانیت ابزاری با نقل دینی سازگار است؟ به عبارت دیگر آیا نقل دینی، عقلانیت ابزاری را تأیید می کند؟ برخی معتقدند که این دو با هم ناسازگارند؛ زیرا معتقدند که عقلانیت ابزاری دارای شکلی است که محتوا از آن انفکاک ناپذیر است. محتوایی هم که از این عقلانیت پدید آمده است، با آموزه های دینی تعارض دارد. بدین جهت هیچ یک از دستاوردهای این عقلانیت در حوزه های روان شناسی، جامعه شناسی و ... با تعالیم دینی سازگاری ندارند. اما حق مطلب آن است که عقلانیت ابزاری فی حد نفسه با نقل دینی تعارضی ندارد. عقلانیت ابزاری همان عقل معاش و برنامه ریز است که نقل دینی آن را تأیید می کند. عقلانیت ابزاری، قالبی است که مشروعیت یا عدم مشروعیت آن وابسته به این است که چه محتوایی در آن بریزیم. محتوای عقلانیت ابزاری را دو چیز تامین می کند: برنامه و هدف. اگر از عقلانیتی استفاده شود که برنامه ها و اهدافش، دینی و مشروع باشد، نتایج و دستاوردهای آن هم دینی و مشروع خواهد بود؛ و اگر برنامه ها و اهداف یا حتی یکی از این دو نامشروع باشد، نتایج غیر دینی و نامشروع به دست می آید. ماکس وبر و بعضی از روشنفکران ایرانی به تبعیت از وی معتقدند که عقلانیت ابزاری، افسون زدا و نقل دینی افسون زاست و از این جهت با هم تعارض دارند. آنها معتقدند عقلانیت ابزاری همواره دنبال حل مصالح موجود انسان معاصر است، از این رو مصالح زودگذر و مصالح دنیوی نزد آن مطرح است. عقلانیت ابزاری برای آبادانی دنیا و مصالح آن آمده است؛ مصالحی که انسان، مصلحت بودن آن را تشخیص می دهد؛ از این رو، حالت راز و سرّ و افسون زایی ندارد؛ ولی نقل دینی بیشتر به دنبال مصالح واقعی بلندمدتی است که همیشه با سرّ و رازهای ناگشودنی همراه است. برای نقد این دیدگاه، نخست باید دیدگاه خود را درباره رابطه دنیا و آخرت بیان کنیم، آنگاه بر اساس آن به نقد این دیدگاه می پردازیم.

درباره رابطه دنیا و آخرت سه فرض در اینجا مطرح است: ۱- دنیا با آخرت هیچ رابطه‌ای ندارد؛ متکلمان اسلامی و غیر اسلامی به هیچ وجه چنین دیدگاهی را نمی‌پذیرند.

۲- دنیا و آخرت نسبت و رابطه اعتباری باهم دارند؛ یعنی خدای متعال اعتبار کرده است که فلان کار بهشت می‌سازد و کار دیگر جهنم و این گونه اعتبارات همچون اعتبارات عقلایی، صرف اعتبار است؛ مانند: قیمت‌گذاری کالاها. این فرض هم از نصوص دینی قابل استفاده نیست.

۳- دنیا و آخرت نسبت به یکدیگر، رابطه تکوینی دارند. ولی آیا این نسبت تکوینی، نسبت علت و معلولی است یا عینیت، دو دسته از آیات قرآن و روایات بر این دو مطلب دلالت دارند. دسته‌ای از آیات می‌فرمایند: فلان عمل دنیوی، علت ثواب یا عقاب اخروی است؛ یعنی در واقع عمل یک حقیقت دنیوی دارد که روز قیامت نتیجه‌اش به صورت ثواب یا عقاب ظاهر می‌شود. دسته دیگر از آیات و روایات بر عینیت دنیا و آخرت دلالت دارند. آخرت و دنیا دو چهره یک حقیقت هستند. در واقع مصلحت دنیوی و اخروی یک حقیقت و دو روی یک سکه هستند. برای مثال وقتی قرآن کریم می‌فرماید: «ان الذین یأکلون اموال الیتامی ظلماً انما یأکلون فی بطونهم ناراً و سیصلون سعیراً؛ نساء: ۱۰» کسی که به ناحق مال یتیم می‌خورد، در واقع در همین دنیا آتش می‌خورد. اما چون چشم برزخی نداریم، آن حقیقت را نمی‌بینیم؛ ولی روز قیامت که «یوم تبلی السرائر» است خواهیم دید که آتش خورده است. با توجه به رابطه تکوینی دنیا و آخرت، دیدگاه ماکس وبر و پیروانش قابل قبول نیست؛ برای اینکه:

الف- مصالح دنیوی و مصالح اخروی از سنخ قضیه منفصله حقیقیه همانند «این عدد یا زوج است یا فرد» نیستند؛ یعنی اینگونه نیست که بگوییم یا مصالح دنیوی و یا مصالح اخروی را باید لحاظ کرد. و اگر کسی دنبال مصالح دنیوی باشد، حتماً دنبال مصالح اخروی نخواهد بود یا برعکس، به گونه‌ای که همیشه این دو باهم تعارض داشته باشند؛ از این رو مصالح دنیوی و مصالح اخروی مانع‌الجمع نیستند؛ یعنی این فرض نیز وجود دارد که عقلانیت ابزاری دینی در پی مصالح دنیوی است که به دنبالش مصالح اخروی تأمین شود؛ پس در عقلانیت ابزاری دینی به مصالح کوتاه مدت نیز توجه می‌شود و می‌توان مصالح دنیوی را از باب «الدنیا مزرعه الاخره» با مصالح اخروی جمع کرد. بنابراین عقلانیت ابزاری فی الجمله با نقل دینی تعارضی ندارد.

ب- اگر در مواردی بین مصالح دنیوی و اخروی تزامن پدید آید، در واقع بین مصالح دنیوی آخرت‌ساز و مصالح دنیوی آخرت‌سوز، یعنی بین دو دسته مصالح دنیوی تزامن پیدا شده، نه بین مصالح دنیوی و اخروی. در این صورت مصالح دنیوی آخرت‌ساز را مقدم کرده، مصالح دنیوی آخرت‌سوز را کنار می‌گذاریم. برای مثال وقتی بین حفظ مسجد و توسعه شهرسازی تزامن پیش آید، حاکم اسلامی دستور می‌دهد مسجدی را که وقف است و تخریب آن جایز نیست، برای توسعه شهری تخریب کنیم. بنابراین این طور نیست که در بحث مصالح دنیوی، هیچگاه مصالح واقعی آن کشف نشده و همیشه حالت راز و سرّ داشته باشد؛ بلکه گاهی برای ما روشن و واضح بوده و ابهامی وجود ندارد.

ج- مصالح دنیوی آخرت‌سوز در واقع، مصلحت نیستند. اکنون ما گمان می‌کنیم مصلحت هستند، ولی با گذشت زمان خواهیم فهمید مصلحت نبودند. برای مثال ممکن است کسی گمان کند که شرب خمر یا خوردن گوشت خوک مصلحت دارد؛ ولی ممکن است در آینده کشف شود چنین نبوده است. شارع مقدس که عالم به جهان هستی است، علم به بعضی مصالح را رایگان در اختیار انسان‌ها قرار داده است. شارع مقدس می‌فرماید عقل و حس شما محدود و از این رو از درک برخی حقایق ناتوان است؛ با وجود این من آن را رایگان در اختیار شما قرار می‌دهم و می‌گویم مصلحت آخرت‌سوز زودگذر است و در واقع مفسده‌اش بیشتر از مصلحتش می‌باشد، از این رو سراغ آن نروید؛ هرچند اینک مصلحت آن را درک نمی‌کنید، ولی بعداً خواهید فهمید.